اعتبارسنجی عبارت "انا اصغر من ربّی بسنتین" از حیث سند ـ محمدمهدی مودتی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال شانزدهم، شماره ۶۲ «ویژه قرآن و حدیث: پیوند ناگسستنی»، بهار ۱۳۹۸، ص ۱۶۵-۱۸۱

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

اعتبارسنجی عبارت "انا اصغر من ربّی بسنتین" از حیث سند

محمدمهدی مودتی*

چکیده: در برخی از منابع، که عمدتاً منابع سنی و صوفی و گاهی منابع شیعی است، جمله «أنا أصغر من ربّی بسنتین» را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و گاهی به امیر مؤمنان علیه السلام نسبت داده‌اند. نگارنده بیست و پنج منبع برای این گفتار را به ترتیب زمان، از داوود قیصری متوفی ۷۵۱ قمری تا معاصران آورده و آنها را تحلیل و بررسی سندی می‌کند. نتیجهٔ بررسی سندی آن است که هیچ یک از این نقل‌ها سند ندارد، و بیشتر این ناقلان گرایش عرفانی دارند. لذا به لحاظ سندی قابل اطمینان نیست.

کلیدواژه‌ها: انا اصغر من ربی بسنتین، جملهٔ منسوب به پیامبر – بررسی سندی؛ کتابهای عرفانی – احادیث منسوب؛ قیصری، داوود؛ احادیث مشهور – اعتبارسنجی.

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث mavaddat.313@gmail.com

درآمد

در سیر بررسی تاریخ اسلام، می‌بینیم که محبّت و مودّت خاندان عصمت و طهارت سلام الله علیهم به اتّفاق علمای امّت از جمله سفارشات صریح و موکّد کلام الله و سنّت نبوی است، امّا در جبههٔ مخالف، ابلیس و شیطان صفتان همواره در مقابل این امر الهی ایستاده و دشمنی خویش را به انحاء مختلف نمایان ساخته‌اند. این دشمنی، ریشه در علل متفاوتی داشته که در این مجال، فرصت پرداختن به یک یک آن‌ها نیست، فی الجمله می‌توان به عواملی هم‌چون حسادت، طمع، قدرت طلبی و کینه توزی اشاره نمود. حاصل این تکاپوی خصمانه علیه اهل بیت علیهم‌السلام، فعّالیّت‌های متعدّدی است که برگ برگ تاریخ اسلامی، گزارش‌گر آن است. این پدیده، گاه در آشکارترین جلوهٔ خویش به شکل جنگ و قتال با آل رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله رخ می‌نمود که مصائب بزرگی چون واقعهٔ کربلا را رقم زد. گاه نیز به جای مبارزهٔ مسلّحانه با راهکارهای به ظاهر مسالمت‌آمیزتری هم‌چون حصر خانگی، تبعید و محدودیت‌های اجتماعی دیگر، این عداوت ابراز می‌گشت. امّا در زیرکانه‌ترین شکل ممکن، خصومت اینان با ائمهٔ معصومین صلوات الله علیهم در بستر علم و ملحقّات آن، پدیدار می‌شد. این نوع از دشمنی را می‌توان به سه دستهٔ مجزّا تقسیم نمود. ساده‌ترین و از جهتی نابخردانه‌ترین شکل عداوت در این بستر، بیان مطاعن و جسارت به این سلالهٔ طاهرین بود که به سبب جایگاه بی‌بدیل ایشان در نزد همهٔ امّت اسلامی و به علّت همان تأکیدی که در مطلع سخن بدان اشاره شد، معمولاً بیشتر سبب روسیاهی و بی‌اعتباری گوینده می‌گشت. به عنوان مثال یکی از مشهورترین مسائل مطرح در جامعهٔ اسلامی بر مبنای احادیث نبوی، ارتباط وجود کینه و دشمنی نسبت به امیرالمومنین صلوات الله علیه در دل فردی، با ناپاک زادگی او بود؛ به همین خاطر، حتّی کسانی که در طول تاریخ سردمدار دشمنی با این خاندان محسوب می‌شدند، در ظاهر امر سعی داشتند این ننگ را از دامان خویش بزدایند و لذا به طرق مختلف ادعای محبّت به اهل بیت علیهم‌السلام را در قالب نظم و نثر مطرح می‌نمودند؛ در نتیجه از آن جهت که این گونه ابراز دشمنی، آسیب و عوارض بسیاری برای قائلان به آن داشت، کمتر کسی آشکارا خود

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

را در مظانّ ناصبی‌گری قرار می‌داد.

دستهٔ دیگر که از بیان مطاعن نسبت به حضرات آل اللّه صلوات الله علیهم پرهیز کرده و نسبت به مفاسد آن برای خویش آگاه‌تر بودند، راه دیگری برای این مبارزهٔ خصمانه بر گزیدند؛ اینان با استفاده از زر و زور، تمام همّت خویش را صرف فضیلت‌سازی برای دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه خلف ناصالح و متقدّم این خصومت نمودند. هدف این گروه، انکار انحصار شئون و مقامات والا در ائمّهٔ اطهار صلوات الله علیهم بود به طوری که به عنوان مثال، در دورهٔ سلطنت بنی‌امیّه لعنهم الله، هزینهٔ زیادی صرف جعل حدیث در جهت فضیلت تراشی در قالبی تقلیدی و مشابه فضایل ذریّهٔ رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، برای دشمنان ایشان شد. اگرچه این نقشه، بیش از عملکرد دستهٔ پیشین موثّر واقع شد و تقدّس سازی‌ای هرچند پوشالین برای تنی چند از دشمنان خدا در میان عوام عامّه ایجاد نمود؛ امّا آن قدر مطاعن از این افراد در طول تاریخ ثبت و ضبط شده بود که در بسیاری از موارد، اعتراف خود علمای عامّه به دروغین بودن این فضیلت‌های ساختگی را در پی داشت.

امّا هوشمندانه‌ترین نوع این فعّالیّت، مربوط به دستهٔ سومی بود که نه قصد داشتند دامان خویش را به اتّهام نصب، آلوده یابند و نه راهکار جعل حدیث و داستان سازی‌های افسانه‌ای را برای نااهلان مثمر ثمر می‌دانستند. راهکاری که این عدّه برای ابراز دشمنی با معصومین علیهم‌السلام در پیش گرفتند، آن‌قدر زیرکانه و حیله‌گرانه بود که در طول تاریخ، حتّی برخی از اهل دقّت و پژوهش از امامیّه نیز در دام این مکر گرفتار گشته و در تمییز آن ناموفّق بوده‌اند. شاید بهترین تعبیری که می‌توان از این دسته داشت، گرگانی در پوستین میش است، آنان به خوبی می‌دانستند، موثّرترین و ناملموس‌ترین روش در ابراز دشمنی خویش که در ظاهرِ امر نیز هیچ آسیبی برایشان نداشت، راهکاری بود که ایشان را در عداد دوست‌داران اهل بیت علیهم‌السلام قرار می‌داد و در عین حال اثر تخریبی خود را هم داشت! با بررسی موشکافانهٔ متون روایی و تاریخی آشکار می‌گردد که یک حرکت بسیار خبیث و مرموز در جریان بیان فضائل برای خاندان رسالت علیهم‌السلام انجام گرفته که در واقع با سوء

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

اعتبارسنجی عبارت "انا اصغر من رئی بستین" از حیث سند

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

استفاده از فطرت پاک و مستعدّ پیروان ائمّه علیهم‌السلام، تلاش شده با ممزوج ساختن اندکی سمّ در میان طعامی خوش طعم، آنان را بفریبد و این حیله تا جایی کارساز شد که آثار آنان تا به امروز در میان جامعهٔ شیعی مطرح است! به نظر می‌رسد این عدّه به این نتیجه رسیدند که به سبب اهمّیّت جایگاه معصومین سلام الله علیهم و فراوانی فضائل و مناقب ایشان، از طریق این بستر، امکان ضربه زدن به باورهای راستین نسبت به شئونات برجسته و یگانهٔ حضرات و محقّق کردن اهداف خصمانهٔ شان، سهل‌الوصول‌تر است و لذا به ایجاد داستان‌هایی ساختگی در قالب فضیلت برای این ذوات مقدّسه پرداختند که با زیرکی خاصّی در باطن امر، (۱) یا شأنی از شئون ایشان را مورد حمله و تنقیص قرار داده (۲) یا مقامی از مقامات‌شان را انکار می‌نمود (۳) یا مخالف امر صریح ایشان در پرهیز از غلو، به افراطی‌گری در نقل فضیلت دست می‌زد. این جعل و دسّ خائنانه آن‌قدر به خوبی در میان ظاهر زیبای داستانی دروغین امّا فریبنده پنهان می‌گشت که حتّی گاهی برخی اهل علم از شیعه را نیز فریفتهٔ خویش ساخته و نهایتاً ایشان نادانسته، به نقل این افسانه‌ها بر فراز منبر یا در آثار مکتوب خویش پرداخته‌اند.

«عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صلوات الله علیهم قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلّی الله علیه و آله: يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْمَظْلُومُ مِنْ بَعْدِي فَوَيْلٌ لِمَنْ ظَلَمَكَ وَ اعْتَدَى عَلَيْكَ وَ طُوبَى لِمَنْ تَبِعَكَ وَ لَمْ يَخْتَرْ عَلَيْكَ ... قَالَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي مَحْمُودٍ فَقُلْتُ لِلرِّضَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ عِنْدَنَا أَخْبَاراً فِي فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صلوات الله علیه وَ فَضْلِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ هِيَ مِنْ رِوَايَةِ مُخَالِفِيكُمْ وَ لَا نَعْرِفُ مِثْلَهَا عِنْدَكُمْ أَ فَنَدِينُ بِهَا فَقَالَ يَا ابْنَ أَبِي مَحْمُودٍ لَقَدْ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ سلام الله علیهم أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلّی الله علیه و آله قَالَ مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنْ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِيسَ ثُمَّ قَالَ الرِّضَا يَا ابْنَ أَبِي مَحْمُودٍ إِنَ مُخَالِفِينَا وَضَعُوا أَخْبَاراً فِي فَضَائِلِنَا وَ جَعَلُوهَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ أَحَدُهَا الْغُلُوُّ وَ ثَانِيهَا التَّقْصِيرُ فِي أَمْرِنَا وَ ثَالِثُهَا التَّصْرِيحُ بِمَثَالِبِ أَعْدَائِنَا فَإِذَا سَمِعَ النَّاسُ الْغُلُوَّ فِينَا كَفَّرُوا شِيعَتَنَا وَ نَسَبُوهُمْ إِلَى الْقَوْلِ بِرُبُوبِيَّتِنَا وَ إِذَا سَمِعُوا التَّقْصِيرَ اعْتَقَدُوهُ فِينَا وَ إِذَا سَمِعُوا مَثَالِبَ أَعْدَائِنَا بِأَسْمَائِهِمْ ثَلَبُونَا بِأَسْمَائِنَا وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ وَ لا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْواً بِغَيْرِ عِلْمٍ يَا ابْنَ أَبِي مَحْمُودٍ إِذَا أَخَذَ النَّاسُ يَمِيناً وَ شِمَالًا فَالْزَمْ

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

طَرِيقَتَنَا فَإِنَّهُ مَنْ لَزِمَنَا لَزِمْنَاهُ وَ مَنْ فَارَقَنَا فَارَقْنَاهُ إِنَّ أَدْنَى مَا يَخْرُجُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْإِيمَانِ أَنْ يَقُولَ لِلْحَصَاةِ هَذِهِ نَوَاةٌ ثُمَّ يَدِينَ بِذَلِكَ وَ يَبْرَأَ مِمَّنْ خَالَفَهُ يَا ابْنَ أَبِي مَحْمُودٍ احْفَظْ مَا حَدَّثْتُكَ بِهِ فَقَدْ جَمَعْتُ لَكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (عیون أخبار الرضا علیه السلام/۳۰۴/۱)

به سبب اهمّیّت بسیار زیاد آشکارسازی این دسیسه و زدودن این شِبه (یا ضدّ) فضیلت‌ها از دریای بیکران فضائل اهل بیت سلام الله علیهم، در این مجال قصد آن داریم به صورت مصداقی به بررسی یکی از این موارد پرداخته و نقاب مکر و حیله را از چهرهٔ داستان دروغینِ فضیلت‌گونه برداریم و بر مبنای بررسی سندی، جعلی بودن آن‌ها را ثابت نماییم. بحث در این مقال، جمله‌ای است که به امیرمؤمنان سلام الله علیه نسبت می‌دهند: «انا اصغر من ربّی (الله) بسنتین».

حال به بیان مستندات عبارت مذکور در انتساب به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و توضیحات پیرامون آن می‌پردازیم:

بررسی اسانید:

ابتدا به ترتیب تاریخی، به منابعی که عبارت "أنا أصغر من ربّی بسنتین" را به عنوان حدیث نقل نموده‌اند اشاره کرده و سپس با نقل عین عبارت به بررسی سندی آن‌ها می‌پردازیم...

۱. قیصری (م ۷۵۱ق) - رسائل قیصری:

«عرفا اسم دهر را، که از اسماء الهیّه است منشأ ظهور زمان میدانند و این اسم چون از اسماء الهیه و مستند بذات حق است، در فوق زمان نیز دارای مظاهری است که باین اعتبار منشأ ایام یا اعوام و سنوات الهیّه است، لذا قال - علیه السّلام- انا اصغر من ربّی بسنتین...»[۱]

اولاً، قیصری از شارحان مشهور مکتب ابن عربی و از عرفای مشهور زمان خویش است. ثانیاً او این جمله را (علی الظّاهر به جهت کاربرد علیه السّلام) به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منسوب دانسته امّا بدون اشاره به هیچ سندی برای ادّعای خویش. نهایتاً

۱. رسائل قیصری نهایة البیان فی درایة الزمان، نوشته‌ی شرف‌الدّین داود بن محمود ساوی قیصری، محقّق و مصحّح: سیّد جلال الدّین آشتیانی، ناشر: مؤسّسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران، چاپ دوم، سال نشر ۱۳۸۱، صفحه‌ی ۱۳۷.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

نکتهٔ مهم‌تر این‌که، بررسی سیر تاریخی منابع ناقل این جمله نشان می‌دهد، انتساب این عبارت به یکی از معصومین علیهم‌السلام، نخستین بار در قرن هشتم هجری رخ داده است و بر طبق تفحّص، پیش از این در هیچ منبعی چنین نسبتی نقل نشده است.

۲. قاضی سعید قمّی (م ۱۱۰۳ ق) – شرح الاربعین:

«الحدیث الرابع عشر فی الخبر المروی عن النّبیّ صلّی الله علیه و آله علی ما سمعت من بعض المشایخ غیر المشیخة عن رسول الله صلّی الله علیه و آله أنّه قال: أنا أصغر من ربّی بسنتین....»[۱]

پس از گذشت حدود ۳۵۰ سال از دوره‌ی قیصری، قاضی سعید قمی این عبارت را کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌داند نه کلام امیرالمؤمنین صلوات الله علیه، در عین حال بدون ذکر کتاب یا فرد مشخّصی به عنوان سند، صرفاً بیان می‌کند که از بعضی مشایخ حدیث خویش شنیده که به همین جهت قابل بررسی و ارزیابی نیست.

۳. محمّدبن عبدالله بحرانی (زنده در ۱۱۷۳ ق[۲]) – سوانح:

«... سوانح این رساله شامل مطالب ذیل است:

الف. سانحهٔ: در توضیح آیه شریفه "مثل الذین ینفقون اموالهم ... واللّه واسع علیم"

ب. سانحهٔ: در شرح حدیثی از أمالی

ج. سانحهٔ: در شرح یک حدیث نبوی صلی الله علیه و آله

د. سانحهٔ: در شرح روایت «انا اصغر من ربی بسنتین»

ه. در شرح روایتی از توحید صدوق»[۳]

متأسّفانه اصل کتاب سوانح به دست نیامد. طبق تحقیق، هیچ کدام از آثار این نویسنده

۱. شرح الاربعین، نوشته‌ی محمّد سعید بن محمّد مفید معروف به قاضی سعید قمی، نشر میراث مکتوب، مصحّح نجفقلی حبیبی، چاپ اول، ۱۳۷۹ش، صفحه‌ی ۳۵۵.

۲. در نسخه‌ای خطی که کاتب آن محمّد بن عبدالله بحرانی است سال کتابت ۹٦٤ ه.ق ثبت شده است.

۳. به نقل از کتاب مجموعه‌ی رسائل در شرح احادیثی از کافی نوشته‌ی مهدی سلیمانی آشتیانی (معاصر)، و محمّد حسین درایتی (معاصر)، ناشر موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر قم، سال نشر ۱۳۸۸، جلد ۱، صفحه‌ی ۱٦٥– فراز مذکوررا در جمله‌ی تألیفات شخصی به نام محّمد بن عبدالله بن علی بحرانی۳ ذکر نموده، که او کتابی به نام سوانح دارد و در بخشی از آن به شرح این عبارت پرداخته است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

منتشر نشده است. با این حساب از این نقل هم سندی قابل استخراج نیست.

۴. ملّا مهدی نراقی (م ۱۲۰۹ق) – مشکلات العلوم:

«روی عن علی علیه السّلام أنّه قال أنا أصغر من ربّی بسنتین ...»[۱]

او نیز عبارت مذکور را صرفاً با لفظ "رُویَ" بدون اشاره به منبع و سند نقل خویش، منسوب به امیرمؤمنان صلوات الله علیه بیان کرده است.

۵. سیدحسین بن میرمحمّد ابراهیم قزوینی(م ۱۲۰۹ق) – رسالة فی حلّ حدیث "أنا أصغر من ربّی بسنتین":

«رسائل فی حدیث من سهی فی السّهو و لم یلتفت مع حلّ حدیث انا اصغر من ربّی بسنین»[۲]

«۴۸. رسالة فی حلّ حدیث "أنا أصغر من ربّی بسنتین(ستّین)" از سیّد حسین بن میرابراهیم قزوینی[۳]»[۴]

«رسائل فی حل حدیث من سهی فی السهو و لم یلتفت مع حلّ حدیث "انا اصغر من ربّی بسنتین"؛...»[۵]

متأسّفانه به اصل رسالهٔ مذکور دسترسی پیدا نشد.

۶. محمّدعلی کرمانشاهی (م ۱۲۱۶ق) – مقامع الفضل:

«از حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام مشهور است که فرموده: "أنا اصغر من ربّی بسنتین"...»[۶]

---

۱. مشکلات العلوم، نوشته‌ی ملّا محّمدمهدی بن ابی ذر فاضل نراقی معروف به محقّق نراقی، نسخه خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی، صفحه‌ی ۲۰.

۲. به نقل از کتاب ریاض الجنّة، محمّدحسن بن عبدالرّسول فانی زنوزی (م ۱۲۱۸ق)، ناشر: کتابخانه‌ی عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی(ره) سال نشر ۱۳۷۸، جلد ۲ صفحه‌ی ٤۲۵ (۵ جلدی) : در بیان تألیفات میرحسین قزوینی.

۳. ریاض الجنّة ج۲ ص ٤۲۵.

٤. به نقل از کتاب تاریخ حدیث شیعه در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری، نویسنده : حسین صفره (معاصر)، ناشر موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر قم سال نشر۱۳۸۵، صفحه‌ی ۲۱۳، در شرح مکتوبا ت قرن سیزدهم.

۵. به نقل از کتاب فرهنگ اعلام علوم عقلی اسلامی، نویسنده: مرکز پژوهشی دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ناشر: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، سال نشر ۱۳۸۹ (٤ جلدی)، جلد دوم، صفحه ۵۳۸، در تالیفات حسین بن ابراهیم حسینی قزوینی.

٦. مقامع الفضل، نوشته‌ی آقا محمّدعلی بهبهانی (کرمانشاهی)، محقق: موسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، ناشر همان موسسه در قم (۲ جلدی)، جلد اول، صفحات ۴۶۲ و ۴۶۳.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

وی نیز هیچ سخنی از منبع و سند این عبارت جهت انتساب به مولای متقیان سلام الله علیه به میان نیاورده و با لفظ "مشهور است" به نقل آن پرداخته است.

۷. مجذوب‌علی‌شاه (م ۱۲۳۸ق) - شرح حدیث "أنا أصغر من ربّی بسنتین":

«چنین گوید بندهٔ جانی محمّدجعفر بن صفرخان همدانی که در بعضی از مجالس یکی از احبّا سوال نمود از این خاک‌سار معنی حدیثی را که مرویست از سیّد انبیاء علیه التّحیة و الثّناء که فرموده است انا اصغر من ربّی بسنتین ...»[۱]

وی عبارت را منسوب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌داند، امّا هیچ منبعی برای این استناد بیان نمی‌کند، بعلاوه او از اقطاب صوفیه هم بوده است.

۸. سیّد عبدالله شبّر (م ۱۲۴۲ق) - مصابیح الأنوار:

«الحدیث ۱۷۱ ما روی عن أمیرالمومنین علیه السلام قال: أنا أصغر من ربّی بسنتین ...»[۲]

ایشان هم، با عبارت "ما رُوِیَ" این جمله را منسوب به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می‌سازد، در حالی که هیچ سندی برای این ادّعا بیان نمی‌کند.

۹. سید جعفر بن ابی اسحاق کشفی (م۱۲۶۷ ق) - تحفة الملوک:

«و حدیثی که مشهور است از جناب امیرالمؤمنین علیه السلام که فرموده است: "انا اصغر من ربّی بسنتین" ... هرچند که به این حدیث در جایی برنخوردم، لکن از آن‌جا که عدم وجدان دلالت بر عدم وجود ندارد، خصوصاً از من، و معنای آن هم به این طور که ذکر شد حق بود ...»[۳]

وی مدّعی است این عبارت بر طبق مشهور منسوب به مولای متقیان سلام الله علیه است، در عین حال نه تنها سندی ارائه نمی‌دهد بلکه معترف است، با وجود تحقیق، به این

۱. شرح حدیث انا اصغر من ربی بسنتین نسخه خطی کتابخانه ملک.

۲. مصابیح‌الأنوار فی حلّ مشکلات الأخبار نوشته‌ی سیّد عبدالله بن سید محمدرضا شُبّر حسینی نجفی کاظمی، در مجلّد دوم، صفحه‌ی ۳۱۹.

۳. کتاب تحفة الملوک گفتارهایی درباره‌ی حکمت سیاسی (دارابی) نوشته‌ی سید جعفر کشفی فرزند ابی اسحاق، معروف به آیت الله کشفی دارابی بروجردی، ناشر: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) سال نشر ۱۳۸۱، جلد اول، صفحه‌ی ۷۸ و ۷۹.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

عبارت در منبعی برنخورده است. توجیه بعدی ایشان چندان پذیرفتنی نیست.

۱۰. سید کاظم بن قاسم حسینی رشتی مشتهر به سیّد کاظم رشتی (م ۱۲۵۹ق) - الصّراط المستقیم:

«نعم یظهر من بعض الأعلام[۱] أنّ التّرجیح فی المقام إنّما هو بإعتبار الکمّیّة لا الکیفیّة فإنّ النّبیّ صلّی الله علیه و آله و سلّم له مقامان: مقام النّبوة و الولایةو و هو جامع المرتبتین بخلاف الولی فإنّ له الولایة خاصة دون النبوة، فالجامع بین الأفاضل و غیره أشرف من المتفرّد بواحد و إن کان أفضل. فالنّبی باعتبار الجامعیة أفضل من الولی. قال: "و إلی هذا المعنی یشیر قول امیرالمومنین علیه السّلام: "أنا أصغر من ربی بسنتین[۲]" ...»[۳]

سخنی از سند این عبارت در این منبع نیز ذکر نشده است. او دومین مقتدای شیخیه می‌باشد.

۱۱. سید حسین بن رضا بروجردی (م ۱۲۷۷ق) - الصّراط المستقیم:

«و أما ما ذکره فی معنی خبر أنا أصغر من ربی بسنتین،... و أعلم أن هذا الخبر لم أظفر به فی شئ من الأصول و کتب الأخبار، و لا شئ من مصنفات من تقدّم من علمائنا الأخیار، و لا بأس به بعد موافقة مؤداه لسایر الآثار»[۴]

وی در تأیید سخنان افرادی هم‌چون سیّد کاظم رشتی، عبارت مذکور را به امیرمؤمنان صلوات الله علیه نسبت می‌دهد و در پاورقی به کتاب مشکلات العلوم نراقی ارجاع داده که پیش از این مورد بررسی قرار گرفت و سپس در فرازی دیگر اذعان می‌کند در هیچ منبع متقدّم و کتب متأخّر حدیثی چنین عبارتی را نیافته و نه حتّی در کتابی از کتب علمای برجستهٔ شیعه. در عین حال به جهت ادعای هم‌سویی آن با سایر روایات به نقل این

۱. هو السید کاظم بن قاسم الحسینی الجیلانی الرشتی.

۲. لم أظفر علی مصدر له، قال النّراقی فی مشکلات العلوم: ص ۲۰: روی عن علی علیه السّلام أنّه قال: «أنا أصغر من ربی بسنتین» ثم احتمل له معنیین أولهما بعیدا جدا، و سأنقل کلامه إن شاء الله تعالی.

۳. به نقل ازتفسیر الصّراط المستقیم، نوشته‌ی حسین بن رضا بروجردی، شاگرد شبّر وکشفی، ناشر انصاریان (۵ جلدی)، جلد ۳ صفحه ۱۴۵.

٤. همان، جلد ۳ صفحه‌ی ۱۴۷.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

عبارت می‌پردازد.

۱۲. نجفقلی (نجفعلی) انجدانی (قرن ۱۳)- شرح احادیث مشکله:

«حدیث از حضرت امیر علیه‌السلام منقول ست که فرمودند أنا أصغر من ربّی بسنتین ...»[۱]

او نیز بدون ذکر سند، بیان می‌کند که این عبارت از حضرت امیر سلام الله علیه منقول است.

۱۳. عبّاس شریف دارابی (م ۱۳۰۰ق) – تحفة المراد:

«هم چنین هر متحرّک را غایت و ما الیه باید و غایت نفس، عقل است و غایت عقل باری تعالی. پس نفس بدو مرتبه دون الواجب است کما قال علی علیه‌السلام: انا اصغر من ربی بسنتین...»[۲]

وی نیز جملهٔ مذکور را به حضرت مولا صلوات الله علیه نسبت داده امّا هیچ منبعی برای این انتساب ذکر نکرده و در یک جمله به توضیح مفهوم آن پرداخته است.

۱۴. نظرعلی طالقانی (م ۱۳۰۶ق) – کاشف الأسرار:

«ظاهر آن است که مراد از این زمان‌ها که در اخبار ذکر می‌شود بعد مراتب و درجات است مثل (انا اصغر من ربّی بسنتین)[۳]...»[۴]

به قرینهٔ استفاده از لفظ "اخبار"، نویسندهٔ مذکور این جمله را منسوب به معصومان علیهم‌السلام می‌داند، امّا باز سندی ارائه نمی‌دهد جز این‌که در پاورقی همان کتاب، ارجاعی به کتاب منتهی الآمال داده شده که درعین شگفتی در آن منبع نیز چنین چیزی یافت نشد.

۱۵. سیّد ابوالقاسم دهکردی (م ۱۳۵۳ق) – منبر الوسیله:

---

۱. نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مجلس.

۲. تحفة المراد، شرح قصیده‌ی میرفندرسکی، به ضمیمه شرح خلخالی و گیلانی، نویسنده ملّا عباس شریف دارابی شیرازی شاگرد ملّا هادی سبزواری، ناشر: الزّهرا (س)، سال نشر ۱۳۷۲، صفحه‌ی ۱۵۵، ذیل عبارت "تمثیل جمیل".

۳. محدث قمی، منتهی الآمال، باب سیّم تاریخ امیرالمومنین، فصل ششم ذکر اولاد حضرت امیرالمومنین، ص ۳۱۸ (مطلب مذکور در این منبع یافت نشد.)

٤. کاشف الأسرار، نوشته‌ی ملانظرعلی طالقانی، فرزند سلطان‌محمد، ناشر رسا، سال نشر ۱۳۷۳ (۲ جلدی)، جلد ۲، صفحه‌ی ۴۰۵.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

«و تعدّد قدما، بالضّروره باطل است و فساد عقیدهٔ نصاری به "اقانیم ثلاثه" که قدیم باشند، ظاهر است. پس ممکن است که معنی حدیث معروف "أنا اصغر من ربّی بسنتین[1]" همین باشد؛...» [2]

وی با ذکر عبارت "حدیث معروف" بدون مشخّص کردن انتساب آن به معصوم خاصّ و ذکر سند به شرح معنای آن پرداخته است. ضمناً در پاورقی همان کتاب ذکر شده که این عبارت در جوامع روایی یافت نشد.

۱۶. محمّدحسین کاشف‌الغطاء (م ۱۳۷۳ق) – الفردوس الأعلی / جنةالمأوی:

«و هو المثل الأعلی الحاکی بنوع من الحکایة عن تلک الذّات المقدّسة المحتجبة بسرادق العظمة و الجبروت و غیب الغیوب. یا من لا یعلم ما هو الّا هو. و ذلک العقل الکلّی أو الصّادر الأوّل – ما شئت فعبّر– أو الحقیقة المحمّدیّة متّصلة بمبدئها غیر منفصلة عنه. لا فرق بینک و بینها إلّا أنّهم عبادک و خلقک؛ بدؤها منک و عودها إلیک "أنا أصغر من ربّی بسنتین"...»[3]

«و هو المثل الأعلی الحاکی بنوع من الحکایة عن تلک الذّات المقدّسة المحتجبة بسرادق العظمة و الجبروت و غیب الغیوب. یا من لا یعلم ما هو الّا هو.و ذلک العقل الکلّی أو الصّادر الأوّل – ما شئت فعبّر– أو الحقیقة المحمّدیّة متّصلة بمبدئها غیر منفصلة عنه. لا فرق بینک و بینها إلّا أنّهم عبادک و خلقک؛بدؤها منک و عودها إلیک "أنا أصغر من ربّی بسنتین" ...» [4]

در کمال تعجّب، عبارت موجود در هر دو کتاب کاملاً یکسان و جملهٔ مورد نظر بدون منبع به عنوان مؤیّد بحث ذکر شده است.

۱۷. شیخ علی نمازی شاهرودی (م۱۴۰۵ ق)- مستدرک سفینة البحار:

«و تقدم فی "ربب" قوله: انا اصغر من ربی بسنتین.»[5]

---

۱. در جوامع روایی دیده نشد.

۲. منبر الوسیله، مباحث اعتقادی به روش فلسفی و عرفانی، نوشته‌ی سیّد ابوالقاسم حسینی دهکردی اصفهانی، ناشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم مرکز انتشارات قم سال نشر ۱۳۷۹، صفحه‌ی ۱۱۱، الباب الأوّل فی معرفة الله و توحیده.

۳. الفردوس الأعلی، نوشته‌ی محمدحسین بن علی بن جعفر کاشف الغطاء، ناشر دار انوارالهدی قم، صفحه ۲۵۶.

٤. جنة المأوی، نوشته‌ی محمدحسین کاشف الغطاء، ناشر دلیل ما، سال نشر: ۱۴۲۹ ق، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۱۸.

۵. مستدرک سفینة البحار، نویسنده شیخ علی نمازی شاهرودی، ناشر: موسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المقدسة، جلد ۶، صفحه‌ی ۲۸۵.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

این در حالی است که در ذیل ریشهٔ "ربب" در مجلّد چهارم صفحات ۴۴ تا ۴۸، اصلا به این عبارت اشاره نشده است. پس از بررسی معلوم شد که این عبارت در چاپ اول این کتاب که در سال ۱۳۳۶ شمسی در مشهد منتشر شده وجود داشته اما در تجدید چاپ‌ها افتاده است.در آن نسخه ایشان در پاورقی از کتاب مشکلات العلوم نراقی نقل نموده‌اند:

«قال العلّامة النراقی قده فی مشکلات العلوم ص ۲۰ روی عن علی علیه السلام انه قال انا اصغر من ربی بسنتین ...»[۱]

۱۸. سید محمّدحسین حسینی طهرانی (م ۱۴۱۹ق) – معرفة الله:

«و هو المثل الأعلی الحاکی بنوع من الحکایة عن تلک الذّات المقدّسة المحتجبة بسرادق العظمة و الجبروت و غیب الغیوب. یا من لا یعلم ما هو الّا هو.و ذلک العقل الکلّی أو الصّادر الأوّل - ما شئت فعبّر- أو الحقیقة المحمّدیّة متّصلة بمبدئها غیر منفصلة عنه. لا فرق بینک و بینها إلّا أنّهم عبادک و خلقک؛ بدؤها منک و عودها إلیک.أنا أصغر من ربّی بسنتین[۲]...»[۳]

اولاً متنی که او در کتاب خویش آورده عیناً متن مذکور از کتب مرحوم کاشف الغطاء می‌باشد، بدون آن‌که به منبع متن اشاره کند. ضمناً در پاورقی به کتاب سیّد حیدر آملی ارجاع داده شده که با مراجعه به اصل متن آشکار می‌گردد، جناب سیّد این کلام را به اهل تصوّف منتسب دانسته است.[۴]

۱۹. سید جلال الدین آشتیانی (م ۱۴۲۵ ق)- شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم:

«قد اشتهر انه قال رسول اللّه: "انا اصغر من ربی بسنتین" ...»[۵]

۱. مستدرک سفینة البحار، نوشته‌ی شیخ علی نمازی شاهرودی، ذیل ریشه‌ی "ربب"، چاپ اداره‌ی نشر خراسان سال ۱۳۳۶ ش.

۲. معرفة الله، نوشته‌ی محمّدحسین حسینی طهرانی، محقّق احمد صقر، ناشر دار المحجّة البیضاء بیروت (۳ جلدی)، جلد ۳، صفحه ۱۸۰.

۳. و قد ذکرها السّید حیدر الآملی فی مقدّمات کتاب «نصّ النصوص» ص ۱۰: بالشّکل التّالی: کقولهم: أنا أقلّ من ربّی بسنتین، و قولهم: لیس بینی و بین ربّی فرق إلّا أنّی تقدّمت بالعبودیّة.

٤. ... و ثالثهم الخرقانی الّذی قال : "أنا أقلّ من ربّی بسنتین"– و قول غیره "انا اقل من ربّی بسنتین" – و من هذا قال العارف " أنا أقلّ من ربّی بسنتین".

۵. شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، نوشته‌ی سید جلال الدین آشتیانی، انتشارات امیرکبیر، سال نشر ۱۳۷۰، صفحه‌ی۷۴۲.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

او از معدود افرادی است که مانند قاضی سعید قمّی، این جمله را کلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌داند، اما فقط برای نقل، به بیانِ مشهور بودن این انتساب اکتفا کرده و سندی ذکر نمی‌کند.

۲۰. محمّدباقر بهبودی (م ۱۴۳۵ق) در پاورقی بحارالأنوار، جمله بحار را آورده است:

«... أن جمهور الروایات جاءت بأنه علیه السلام قبض و له خمس و ستون سنة و جاء فی بعضها أن سنه کانت عند وفاته ثلاثا و ستین سنة» آنگاه ذیل آن می‌نویسد: «أقول: و الحق أنّه قبض علیه السلام بعد ما دخل فی السنة الرابعة و الستین کما ان النبیّ صلوات اللّه علیه قبض و قد دخل فی السنة السادسة و الستین و لذلك یقول عن نفسه علیه السلام «أنا أصغر من ربی بسنتین»...»[1]

این جمله نه در متن اصلی علّامهٔ مجلسی بلکه در پاورقی آقای محمّد باقربهبودی بدون سند ذکر شده است. در نتیجه از انصاف علمی به دور است که جملهٔ مذکور، بدون تذّکر به وجود عبارت در حاشیه و نه خود متن، از کتاب شریف بحارالأنوار سند داده شود که این کار افترای به مرحوم مجلسی است و عملی خارج از قواعد علمی. (صرف نظر از اصل افترای در انتساب به حضرت مولانا امیرالمؤمنین صلوات الله علیه)

۲۱. سید مرتضی مستنبط غروی (معاصر) - مواهب الرّحمن:

«... اشار علیه السلام بقوله انا اصغر من ربّی بسنتین[2]»[3]

او نیز در تأیید سخنان خویش بدون ذکر منبع، این عبارت را به امیرالمؤمنین سلام الله علیه منتسب نموده است.

۲۲. سید محمّدصادق روحانی (معاصر) - اجوبةالمسائل:

«۵۶۰- فی الحدیث: "أنا أصغر من ربّی بسنتین"، فالمرجوّ منکم شرح معنی هذا الحدیث العظیم بنحوٍ

۱. کتاب شریف بحارالانوار در مجلّد ۳۸ صفحه‌ی ۲۷۸ طبع بیروت باب ۶۵ - أنّه صلوات الله علیه سبق الناس فی الاسلام و الایمان ...

۲. و یمکن ان یراد من سنتین الالوهیة و النبوة فهو -ع- فی الامامة فقط منه.

۳. مواهب الرّحمن فی تفسیر القرآن (مستنبط)، نوشته‌ی مرتضی بن سیّد رضی موسوی مستنبط، ناشر: شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان، جلد ۳۰ صفحه‌ی ۳۱۰.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

یفرح قلوب الأولیاء؟ بإسمه جلّت أسماؤه: الحدیث المذکور واردٌ عن امیرالمؤمنین علیه السلام...»[۱]

ایشان اگرچه تصریح کرده که این عبارت از وجود مقدّس امیرمؤمنان سلام الله علیه صادر گشته، اما هیچ اشاره‌ای به سند ادّعای خویش نمی‌کند.

۲۳. سید هاشم رسولی محلّاتی (معاصر) - درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام:

«... یا روایت "أنا أصغر من ربّی بسنتین" که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده ...»[۲]

او نیز به سبک سایرین، بدون ذکر منبع، به این عبارت اشاره کرده و آن را به حضرت مولا منتسب می‌سازد.

۲۴. رواء جمال العلی (معاصر) - پاورقی الأصیفر:

«إلی أن قال: و لا فرق بین هذا الإسم و بین مسمّاه إلّا إنّه عبده و هو ربّه (أنا أصغر من ربّی بسنتین)...»[۳]

اولاً این کتاب از جملهٔ مصادر فرقهٔ نُصیریه است. در عین حال محقّق آن بدون هیچ منبعی عبارت را ذکر کرده و از قرائن به نظر می‌رسد جمله را منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته است.

۲۵. سیّد علی میلانی (معاصر) – سایت ایشان:

پس از مراجعه و بررسی مطلب مورد نظر در سایت ایشان مشخّص شد، اولاً منبعی از طرف ایشان مطرح نگردیده بلکه خود سؤال کننده و مستفتی این گونه پرسیده و سند از طرف او بیان شده است. ثانیاً جناب آقای میلانی نسبت به سندیّت و مأثور بودن این عبارت سکوت کرده و فقط معنای عبارت را طوری تفسیر نموده‌اند که معنای کلمهٔ "سنتین" را در این عبارت "مرتبتین" می‌دانند. متن سوال و جواب عیناً این گونه است:

---

۱. کتاب أجوبة المسائل فی الفکر و العقیدة و التّاریخ و الأخلاق، نوشته‌ی محمّدصادق روحانی ناشر دار زین العابدین علیه السلام قم سال نشر ۱۴۳۱ (۲ جلدی)، جلد اول صفحه‌ی ۲۸۱ و ۲۸۲.

۲. کتاب درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، ناشر پاسدار اسلام قم سال نشر ۱۳۷۱ (۴ جلدی)، نوشته‌ی هاشم رسولی محلّاتی، جلد ۲ صفحه‌ی ۳۰۰.

۳. الأصیفر، محمد بن شعبة الحرّانی (قرن ۴ ق)، باب دوم، صفحه ۲۱۰، در پاورقی، محقّق رواء جمال علی، سال نشر ۲۰۱۶ میلادی.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

«سند این حدیث چگونه است: قال علی بن ابیطالب: انا اصغر من الله سنتین (بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، سال ۱۴۰۴ هـ ق، ج۳۸، ص: ۲۷۸) آیا می‌توان یکسره این حدیث را رد کرد؟ و یا باید به وجه احسن تاویل نمود؟

پاسخ آیت الله سید علی حسینی میلانی مدظله: بسمه تعالی السلام علیکم مراد سنتین مرتبتین است، بعد از خدا نبی و بعد از نبی امام است»[1]

در پرسش سؤال کننده به این مهم اشاره شده که آیا می‌توان به کلّی این عبارت را رد نمود یا باید آن را به صورت به ظاهر درستی توجیه کرد، و جناب آقای میلانی، تلویحاً به معنای صحیحی که در نظر ایشان قابل برداشت از آن عبارت است اشاره کرده‌اند، امّا در پاسخ خویش، نکته‌ای در مورد سند مورد ادّعای فرد پرسش‌گر ندارد و به عدم وجود این عبارت در متن کتاب شریف بحار و تعلّق آن به حاشیهٔ کتاب، اشاره‌ای ننموده‌اند. ضمناً خود ایشان هم سند دیگری برای تأیید اعتبار این عبارت ذکر نکرده‌اند.

جمع‌بندی بررسی اسانید:

۱. طبق بررسی‌های تاریخی، اولین بار این جمله در قرن هشتم هجری قمری، به وجود مطهّر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نسبت داده شده است.

۲. در هیچ‌کدام از این نقل‌ها از قرن هشتم تا به امروز، نویسندگان، سندی برای ادّعای انتساب کلام مذکور اقامه ننموده‌اند؛ به‌طوری که یا مستقیماً ذکر کرده که ایشان فرموده‌اند یا صرفاً با عبارت‌های "مشهور است"، "مرویست"، "منقول است"، "روایت شده"، "حدیث معروف" به نقل آن پرداخته‌اند.

۳. در برخی موارد، این جمله را به وجود مقدّس رسول اکرمﷺ نسبت داده‌اند؛ پس در گوینده‌ی این کلام هم تردید وجود دارد.

۴. قاطبهٔ افراد مذکور، جزو عرفا و صوفیهٔ مشهور طول تاریخ هستند و مابقی هم – جز اشخاص شاذّ ونادر- گرایش‌های عرفانی داشته‌اند. (دو مورد نیز به فِرَق ضالّهٔ شیخیه و

۱. آدرس سایت : www.al-milani.com – پاسخ شماره‌ی ۸۱۹۰.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

نُصَیریه منتسب بودند.)

۵. در آثار صاحبان اثر و متفکّران مربوط به فِرَق موصوف در مورد قبل، موارد بسیاری از غلو و افراط به چشم می‌خورد.

در نهایت، مجموع بررسی‌های سندی نشان داد که هیچ دلیل و مدرک علمی و روشنی برای انتساب این جمله به ساحت معصومین صلوات الله علیهم اجمعین وجود ندارد و لذا باید از پرداختن به این‌گونه اقوال حدّاقل به جهت پرهیز از افترا و دروغ بستن به حجج الهی علیهم‌السلام، به شدّت دوری گزید. شایان ذکر است بررسی محتوایی و درایی این عبارت به منظور تبیین فساد اعتقادی مطلب فارغ از فقد سند و هم‌چنین واکاوی اسناد مبتنی بر اصل صدور این جمله از زبان خود اقطاب صوفیه و عرفا، نیازمند مجال دیگری است که انشاء الله به بررسی آن خواهیم پرداخت.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.

۲. انجدانی، نجف علی، نسخهٔ خطی موزهٔ مجلس، دارالخلافه طهران در مدرسه ام السلطان، ۱۲۴۵ ق.

۳. آشتیانی، سید جلال الدین، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰ش.

۴. آملی، سیّد حیدر بن علی، المقدمات من کتاب نصّ النصوص، تهران، توس، ۱۳۶۷ش.

۵. بروجردی، حسین بن رضا، تفسیر الصّراط المستقیم، قم، موسسه انصاریان، ۱۴۱۶ق.

۶. بهبهانی (کرمانشاهی)، آقا محمّدعلی، مقامع الفضل، قم، موسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۲۱ق.

۷. حرّانی، محمد بن شعبهٔ، رسالهٔ الأصیفر، ۲۰۱۶م.

۸. حسینی طهرانی، محمّدحسین، معرفهٔ الله، بیروت، دار المحجّة البیضاء، بی‌تا.

۹. دارابی شیرازی، ملّا عباس شریف، تحفهٔ المراد، الزّهرا (س)، ۱۳۷۲ش.

۱۰. دهکردی اصفهانی، سیّد ابوالقاسم حسینی، منبر الوسیله مباحث اعتقادی به روش فلسفی و عرفانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیه قم، ۱۳۷۹ش.

۱۱. رسولی محلّاتی، هاشم، درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام، قم، پاسدار اسلام، ۱۳۷۱ش.

۱۲. روحانی، سیّد محمّدصادق، کتاب أجوبة المسائل فی الفکر و العقیدة و التّاریخ و الأخلاق، قم، دار زین العابدین علیه‌السلام، ۱۴۳۱ق.

۱۳. سلیمانی آشتیانی، مهدی، مجموعهٔ رسائل در شرح احادیثی از کافی، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۸ش.

۱۴. شُبّر، سیّد عبدالله بن سیدمحمدرضا، مصابیح‌الأنوار فی حلّ مشکلات الأخبار، قم، بصیرتی، ۱۳۷۱ش.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]

۱۵. صفره، حسین، تاریخ حدیث شیعه در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۵ش.
۱۶. طالقانی، ملانظرعلی بن سلطان‌محمد، کاشف الأسرار، تهران، رسا، ۱۳۷۳ش.
۱۷. فانی زنوزی، محمّدحسن بن عبدالرّسول، ریاض الجنّة، قم، کتابخانهٔ عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی(ره)، ۱۳۷۸ش.
۱۸. قیصری، شرف‌الدّین داود بن محمود ساوی، رسائل قیصری نهایة البیان فی درایة الزمان، تهران، مؤسّسهٔ پژوهشی حکمت و فلسفهٔ ایران، ۱۳۸۱ش.
۱۹. قاضی سعید قمی، محمّد سعید بن محمّد مفید، شرح الاربعین، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۹ش.
۲۰. کاشف الغطاء، محمدحسین بن علی بن جعفر، الفردوس الأعلی، قم، دار انوارالهدی، ۱۴۲۶ق.
۲۱. کاشف الغطاء، محمدحسین بن علی بن جعفر، جنة المأوی، قم، دلیل ما، ۱۴۲۹ق.
۲۲. کشفی دارابی بروجردی، سید جعفر بن ابی اسحاق، تحفهٔ الملوک گفتارهایی دربارهٔ حکمت سیاسی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ش.
۲۳. مجذوب علیشاه قراگزلو، محمّدجعفر همدانی، شرح حدیث انا اصغر من ربی بسنتین قاجاریه، نسخه خطّی کتابخانه و موزهٔ ملّی ملک، ۱۲۶۳ق.
۲۴. مجلسی، محمّد باقر، بحارالانوار، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۵. محقّق نراقی، محمّدمهدی بن ابی ذر فاضل نراقی، مشکلات العلوم، نسخه خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
۲۶. مرکز پژوهشی دایرهٔ المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، مرکز پژوهشی دایرهٔ المعارف علوم عقلی اسلامی وابسته به موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹ش.
۲۷. مستنبط، مرتضی بن سیّد رضی، مواهب الرّحمن فی تفسیر القرآن، شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان، ۱۳۸۱ق.
۲۸. نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینهٔ البحار، قم، موسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۳۸۵ش.
۲۹. نمازی شاهرودی، شیخ علی، مستدرک سفینة البحار، مشهد، چاپ ادارهٔ نشر خراسان، ۱۳۳۶ش.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.62.10.2]